

بوعلی شاهنامه

مؤلف: ابوالحسن علی
محقق: دکتر...



سرشناسه: مهاجر، مهران، ۱۳۳۲،
عنوان و نام پدیدآور: به‌سوی زبان‌شناسی شعر/مهران مهاجر و محمد نبوی.

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۷۵ ص.: جدول، نمودار؛ س.م. ۲۱/۵×۱۴/۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۹-۲۵۲-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

یادداشت: ویراست قبلی کتاب حاضر تحت عنوان «به‌سوی زبان‌شناسی شعر:

ره‌یافتی نقش‌گرا» توسط نشر مرکز در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتاب‌نامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: به‌سوی زبان‌شناسی شعر: ره‌یافتی نقش‌گرا.

نیما یوشیج، ۱۲۷۴-۱۳۲۸، مستعار - نقد و تفسیر

نقد

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد

موضوع: زبان‌شناسی در ادبیات

شماره: ۱ - نیمه دوم، خرداد، ۱۳۳۲ -

رده‌بندی دنگر: ۱۳۰۰ ب.۹/م.۹ PNA۱/

رده‌بندی دی‌رجی: ۸۰۰۹۵

شماره کتابشناسی: ۱۱۳

www.agahbookshop.ir



مهران مهاجر و محمد نبوی

به‌سوی زبان‌شناسی شعر

چاپ یکم نشر آگه: پاییز ۱۳۹۳، آماده‌سازی، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه

(حروف‌نگار و صفحه‌آرا: فرشته آذرباد)

لیتوگرافی طاووس رایانه، چاپ‌متصور، صحافی جلوش

شمارگان: ۱,۱۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

قیمت: ۱۶,۰۰۰ تومان

فهرست

۹	پیش‌گفتار و دست‌نویس
۱۳	سخنی در باب ویاس دوم
۱۵	۱. زبان: شالوده‌ی نشانه‌ای / شتاداد مهران مهاجر و محمد نبوی
۷۷	۲. زبان‌شناسی و بوطیقا
۷۷	زبان و ادبیات / م. ا. ک. هلی
۸۹	ادبیات و زبان ادبیات / ب. برتولد / ب. بر
۱۰۷	نظریه‌ی ادبی و سبک‌شناسی / ک. گریس
۱۲۲	شعر: سویه‌های سبکی / ل. جفریز
۱۴۵	۳. در جست‌وجوی روایتی دیگر: شعر هم‌چون فرایند / م. مهاجر
۲۱۵	۴. گفت‌وگو با چند شعر نیما / مهران مهاجر
۲۴۳	کتاب‌نامه
۲۵۱	واژه‌نامه
۲۶۱	نمایه

پیش‌گفتار ویراست نخست

کتاب پیش روی مجموعه‌ای از نوشته‌هایی است که از زبان می‌آغازد تا به شعر برسد. پرسش اصلی کتاب این باشد: آیا شعر هم از همان روزنه‌ی زبان نگرینی است؟ سادگی و زیبایی شعر به‌طور خاص، و ادبیات به‌طور عام، هم بخشی از زبان هستند؟ آیا ایده‌هایی جدا و مستقل از آن‌اند؟ این پرسش، در روزگار ما یعنی قرن بیستم به زبان‌شناسی به‌صورت رشته‌ای محوری در علوم انسانی مطرح شده. پیوند محل گفت‌وگو و بحث بوده است. و این کتاب کوششی است جهت طرح دوباره‌ی این پرسش.

ما این راه را با ارائه‌ی طرح‌واره‌ای از تاریخ زبان‌شناختی، یعنی زبان‌شناسی سیستمی - نقش‌گرا که به دست م. ا. ک. هائیک ساخته و پرداخته شده است، گشوده‌ایم. نگره‌ای که به باور ما ابزاری بسیار کارآمد برای تحلیل و تبیین زبان و پدیده‌های زبانی است. پس، در مقاله‌ی نخست رسیدن به پای کلی این نگره را ترسیم کنیم و پیش‌نهاده‌های اصلی آن را به‌طور فشرده عرضه نماییم. در این چارچوب، انگاره‌ای از پدیده‌ی عام زبان به دست می‌آید که اساساً معنابینا است و به زبان باره‌یافتی اجتماعی و کارکردی می‌نگرد. این از انتزاعی‌گری نگره‌های مسلط زبان‌شناسی، یعنی دستورهای صورت‌گرا و به‌طور مشخص دستور زایشی بسیار فاصله گرفته‌ایم، و زبان را در هیئت واقعی آن، در عمل و همراه با تعامل کاربران زبان کاویده‌ایم. بنیان این نگره در دو صفتی که به آن موصوف شده، نهفته است: سیستمی و نقش‌گرا. در این باره در خود

مقاله به تفصیل سخن گفته‌ایم. این‌جا، کوتاه بگوییم که این نگره زبان را شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ای از سیستم‌ها می‌انگارد که در نتیجه‌ی گزینش‌هایی که در درون آن‌ها صورت می‌گیرد، درنهایت، به شکل یک ساختار یعنی یک زنجیره‌ی واقعی گفتاری یا نوشتاری تحقق می‌یابد. در این چارچوب، عناصر زبانی به واسطه‌ی نقش‌شان در نظام زبان و در بافت ارتباط تعریف می‌شوند. بنابراین، این نگره نمایشی میان خود زبان و کارکرد اجتماعی و ارتباطی آن قائل نمی‌شود و در نتیجه، فرآیندهای زبانی را در چارچوب کنش‌های اجتماعی-فرهنگی تبیین می‌کند. این نگره البته مدعی نیست که از روزه‌ای که به زبان می‌نگرد زبان به می‌ماند، اما دست‌کم بر این باور است که آن‌چه می‌بیند بخشی از واقعیت زبانی است و نه چیزی بر ساخته‌ی ذهن نگره‌پرداز.

حالا بیایم نگاهی به این چارچوب نظری زبان‌شناختی می‌تواند از این مقاله بگذرند و به سراغ مقاله‌ی دوم بروند. مقاله‌ی دوم برگردان مقاله‌ی کوتاهی است که سیدی ربیعی نسبت میان زبان‌شناسی و ادبیات و حاصل این رابطه، یعنی سبک‌شناسی، را شرح داده است. نوشته‌ی هیلیدی موجز، روشن و گویاست و توضیحی را نمی‌طلبد. شاید لازم باشد که به یاد بیاوریم که زبان‌شناسی، به ویژه چهره‌ی اروپایی آن، همراه با نقد ادبی قرن بیستم در یک بستر رشد کرده‌اند و از اصول روش‌شناختی یکسانی بهره برده‌اند. شاید به همین جهت، صورت مسلط این هر دو روش، ساخت‌گرا را به خود پذیرفته است. نقد فرمالیست‌های روسی و نیز ساخت‌گرایان روسی که اساساً محور ادبیات را بر شکل زبان استوار می‌کردند، راه را برای روش‌شناسی به ساخت ادبیات گشود. در این چارچوب، کوشش‌های اندیشه‌ی برجسته روس، رومن یاکوبسن، که در هر دو حوزه‌ی زبان‌شناسی و نقد ادبی برای مبارزه با جای گذاشته است، در تثبیت مشروعیت نگاه زبان‌شناسانه به ادبیات بسیار بنیادین داشت. به باور او «زبان‌شناسی که به کارکرد شعری زبان بی‌توجه باشد، ادبی که نسبت به مسائل زبانی بی‌اعتنا و از روش‌های زبان‌شناختی ناآگاه باشد، هر دو به یک اندازه و آشکارا با زمان خود ناسازگارند.» به هر رو اکنون زبان‌شناسی دیگر یکی از مسیرهای پذیرفته‌شده برای شناخت و تأویل متن‌های ادبی است. باری، راهی را که با بررسی پدیده‌ی عام زبان در مقاله‌ی نخست آغاز کردیم،

با نوشته‌ی دوم در زمینه‌ی ادبیات پی گرفتیم. نوشته‌ی سوم در همین مسیر و از همین منظر می‌خواهد به فهمی از پدیده‌ی شعر دست یابد. در این جا نخست، به آرای اندیشه‌گران ایرانی هم‌روزگار ما درباره‌ی شعر اشاره شده است. آنگاه نوشته می‌کوشد معیار و محکی برای تمایز شعر از غیر شعر بیابد. پس نخست، به بررسی دیدگاهی می‌پردازد که به متن هم‌چون متنی بسته و مستقل از آفریننده، بافت و خواننده می‌نگرد و برخی از ویژگی‌های کلامی را اساس شعریت شعر می‌شمرد، و نتیجه می‌گیرد این دیدگاه از آراشه‌ی تصویری خرسندکننده از پدیده‌ی شعر ناتوان است. سپس می‌کوشد تا شعریت شعر را از محدوده‌ی بسته‌ی متن شعر به‌در آورد و به آن در چارچوب یک ارتباط شعری بنگرد. این چنین است که شعر به شکلی یک کنش را به‌خود می‌گیرد. کنش شعری فضایی است باز که شامل رابطه‌ی صحنه‌ی ارتباط و مناسبات بینامتنی، و تعامل میان این عوامل در آن می‌گردد. و این جاست که شعر درمی‌گیرد و جهان خود را می‌سازد. جهانی که در چشم‌انداز آن سوتر از جهان مأنوس ماست. پس خلاف آمد عادت است و شاعران خوب روزمرگی. این جهان خیالین جهانی تازه است و امکانات نویی را در اختیار می‌گذارد. از این‌روست که شعر راه به آزادی می‌برد و آزادی‌هراسان را می‌هراساند.

باری، با بهره‌گیری از سه مقاله‌ی یادشده، نوشته‌ی آخر می‌کوشد که با چند شعر نیمه‌گفت‌وگو کند و با تکیه‌زدن بر یافته‌های نظری و تحلیلی زبان‌شناسی سیستمی - نقش‌گرا، معنایی از معناهای ممکن متن را به‌دست‌آورد. این معناجویی اساساً بر تحلیل ساخت‌های دستوری و واژگانی استوار است. این روش در آخر، می‌خواهد ویژگی‌های بنیادین سخن‌نمایی را برشمرد و مناسبات بینامتنی میان شعرها را بازنماید.

امیدواریم این کتاب روزنه‌ی کوچکی دیگری - افزون بر رویه‌های پیش‌بوده - به شعر بگشاید.

شالوده‌ی این کتاب پایان‌نامه‌های دانشجویی مان بوده‌اند که در راه نوشتن شان آقای دکتر علی محمد حق‌شناس به مهر بی‌حدش راهنمای مان بود و آقایان دکتر محمدرضا باطنی، دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی و بابک احمدی نیز در این راه با

بزرگ‌واری یاری‌مان دادند. سپاس‌گزار این بزرگانیم. از مدیران و مسئولان نشر مرکز نیز که در فرآیند چاپ کتاب از هیچ کوششی فرونگذاردند سپاس‌گزاریم.

در فرآیند آماده‌سازی کتاب کوشیده‌ایم، در حد توان مان، نقص‌ها و کاستی‌ها را از میان برداریم. هرچند که به یقین بسیاری برجای مانده‌اند، که شاید با سنجش و ارزیابی خوانندگان بتوان از شمار آن‌ها کاست. دیگر آن‌که، تا آن‌جا که مدنی بود تلاش کردیم زبان پیچیده و فنی را — به‌ویژه در مورد مقاله‌ی نخست — ساده‌تر و روشن‌تر کنیم تا گستره‌ی بیش‌تری از مخاطبان را همراه خود سازیم، هرچند که تازگی موضوع و فشردگی کلام، به هر رو، دشوارفهمی‌هایی را با خود می‌آورد. باید داشت که گاه همین‌ها با بیان نارسای ما دشوارتر هم شده‌اند.

نکته‌ی دیگر فراوانی اصطلاحات و واژه‌های تازه‌ی زبان‌شناختی این نگره‌ی خالص است. در برگردان واژه‌ها، تا آن‌جا که دستگاه اصطلاح‌شناختی این نگره اجازه می‌دهد، کوشیده‌ایم از واژه‌های موجود و جاافتاده‌ی زبان‌شناسی فارسی و نیز در دسترس استفاده بگیریم. در غیر این صورت به کار واژه‌سازی پرداخته‌ایم. بر این پیش‌فرض که این واژه‌های نو ساخته بر بنیاد امکانات طبیعی زبان فارسی و قواعد ساخت‌وآری آن استوار شده‌اند. هرچند که احتمالاً در برخی موارد امکان وضع برابرهای دقیق‌تر و دقیق‌تر نیز وجود دارد.

درباره‌ی شیوه‌ی نگارش متن باید بگوییم که اصل را بر جدانویسی بی‌فاصله‌نویسی گذاشته‌ایم و نیز حضور کلمات اضافه را برای آسان‌تر خواندن متن ضروری یافته‌ایم.

نکته‌ی آخر این‌که نگارش مقاله‌ی نخست و برگردان مقاله‌ی دوم کار مشترک هر دو ماست، مقاله‌ی سوم نوشته‌ی محمد نبوی است و مقاله‌ی چهارم نوشته‌ی مهران مهاجر. گرچه در این دو مقاله نیز هریک آن دیگری را ویرایش و زدودن اشتباهات و کاستی‌ها یاری کرده است.

گمان می‌کنیم آن‌چه را می‌خواسته‌ایم در این پیش‌گفتار بگوییم، همین بود که گفتیم. آن‌چه باقی می‌ماند آتی است که در چهار نوشته خواهید خواند.

زمستان ۱۳۷۵

مهران مهاجر محمد نبوی

سخنی در باب ویراست دوم

نزدیک به هشت سال از انتشار ویراست نخست به سوی زبان‌شناسی شعر می‌گذرد. در این سال‌ها بسی ما را با زبان‌شناسی و شعر و ما و جهان گذشته است. اما پرسش از نسبت میان زبان و شعر هنوز تازه است و هم‌چنان بسیاری را درگیر می‌کند. پس بر آن شدیم در حاشیه‌ی دوره‌ی آن بر این پرسش باز هم بیش‌تر و شاید اندکی ژرف‌تر نظر کنیم. با این نیت فصل یک ویراست نخست، یعنی چارچوب نظری زبان‌شناختی کتاب ویراست دوم ویراستیم تا هم تبیینی روشن‌تر از آن به دست دهیم و هم به تحولات متأخر این نظر و نگاهی انداخته باشیم. در فصل سوم کتاب نیز که به تبیین چگونگی فروریختن شعر و دل زبان می‌پردازد بازنگری کردیم تا برخی خلأهای آن را بزداییم و فصل یک دست‌تر و روشن‌تری از موضوع فراهم آوریم. سه مقاله‌ی «ادبیات و زبان ادبیات»، «نظریه‌ی ادبی و سبک‌شناسی»، و «شعر: سویه‌های سبک‌شناسی» را به فضا باز برگرداندیم تا در کنار مقاله‌ی پیش‌بوده‌ی «زبان و ادبیات»، از تبیین ادبی‌گری گسترده‌تر از چارچوب نظری برگزیده‌مان، به پرسش نسبت میان زبان و شعر بپردازیم و به چارچوب‌های نظری بدیل هم اشاره کرده باشیم. این مقاله‌ها، که در قالب فصل دوم کتاب، «زبان‌شناسی و بوطیقا»، سامان گرفته‌اند، هم به خواننده کمک می‌کنند تا دریابد در کجای بحث‌های مربوط به این موضوع ایستاده، و هم به نکته‌ها و موضوع‌هایی اشاره می‌کنند که آگاهی از آن‌ها چه‌بسا برای درک برخی مسائل یا اصطلاحات بقیه‌ی فصل‌ها ضروری باشد. البته این امر نتیجه‌ی

فقر کتاب‌های نظری در زمینه‌ی سبک‌شناسی زبان‌شناختی است. اگر چنین فقر نظری‌ای وجود نمی‌داشت نه‌تنها این مقاله‌ها بلکه فصل یک کتاب هم زائد می‌توانست باشد.

یک نکته‌ی دیگر را نیز باید در مورد فصل دوم بگوییم: کتاب‌نامه‌ی همه‌ی مقاله‌های ترجمه‌شده را یک‌کاسه کرده‌ایم و در قالب یک کتاب‌نامه‌ی واحد در پایان فصل دوم آورده‌ایم. فصل‌های ۱، ۳ و ۴ نیز کتاب‌نامه‌ی واحدی دارند که در پایان کتاب آمده است.

ویراست دوم کتاب به همت نشر آگه منتشر می‌شود. از آقای علی‌رضا حسینی، مدیر محترم نشر مرکز (ناشر ویراست نخست) که بزرگ‌وارانه ما را در این راه کردند سپاس‌گزاریم. هم‌چنین، از خانم فرشته آذریاد که این کار را شروع کرد و صفحه‌آرایی کردند و ویرایش چندین باره‌ی اثر را تاب آوردند و با دقت و اجتناب از تحریف، بولیت فوق‌العاده ما را متوجه برخی اشکال‌ها کردند سپاس‌گزاریم.

در آغاز گفتیم در این کتاب ما مجراها بسیار بوده، اما دردناک‌تر از همه رفتن دوست و استادمان علی محمد حسینی بود.

اردیبهشت ۱۳۹۳